

اعلام موجودیت و دعوت بهمکاری :

مقدمه : دنیائی که مادر آن زندگی میکنیم دنیای بیعدالتی ها و فقر و محرومیت خیل عظیم انسانهاست تاریخ انسان ، تاریخ مبارزه برای رفع این بیعدالتیها و کسب رفاه و امنیت و آزادی است . در طول تاریخ همیشه زور مندانی بوده اند که دست رنج انسانها را ربوده و منابع ثروت را بخود اختصاص داده و قدرت حکومتی را برای حفظ اقتدار استعمار گرانه خوش بخدمت گرفته اند ، تاریخ انسان سراسر تاریخ مبارزه بخاطر رفع نا برابریها و کسب اقتدار توده ها است . باور ما بر اینست که قدرت باید بمردم منتقل شود تا مردم بتوانند حاکمیت خویش را در جهت حفظ این اقتدار و کوتاه کردن دست انحصار طلبان و سود جویان و هر آنچه که حیات انسان را بمخاطره می اندازد بر قرار سازند . شانزده سال پیش در ۲۲ بهمن ۵۷ مردم ایران در یک انقلاب شکوهمند برای آزادی و عدالت اجتماعی بپا خواستند و نظام دیکتاتوری و وابسته شاهنشاهی را که ۲۵۰۰ سال تحت نام سایه خدا بر مقدرات مردم و سر نوشت کشور حکمروائی میکرد از سریر قدرت بزیر کشیدند تا حاکمیت خویش را بر قرار سازند . اما بر اثر سالها سرکوب و ممنوعیت فعالیتهای سیاسی توسط شاهان ، زمینهای پیدایش و رشد نهادهای دموکراتیک و چهرهای ملی و مبارزان از میان رفته بود ، در چنین شرایطی و در فقدان هر گونه حضور فعال حزب و سازمانهای مردمی و دموکراتیک و نیروها و شخصیتهای ملی ، رهبری انقلاب بدست اقلیتی از ملایان مذهبی که سالها حیات خفیف و انگلی خود را با محافظه کاری و عافیت جونی حفظ کرده بودند افتاد و حکومتی سیاه و خون ریز و ولایتی خشن تر از ولایت شاهان بر قرار کردند .

احزاب و گروههای بر آمده از انقلاب و سازمانهایی که قبل از انقلاب تشکیل شده و بطور مسلحانه و زیر زمینی فعالیت میکردند بعلت تازه کار بودن و عدم تجربه و پختگی لازم نتوانستند از شرایط بدست آمده بنفع مردم استفاده کنند و با چپ و راست زدند ۱۸۰ درجه ای ، ابهام مردم و تسلط ارتجاع مذهبی را تشدید کردند . در میان کلیه احزاب و سازمانها و گروههای راست و چپ ، تنها سازمان مجاهدین خلق بود که بعلت ویژگی مذهبی اش که فضای مسلط آنروز جامعه بود توانست بیشترین هواداران و پایگاه اجتماعی نسبتاً گسترده برای خویش بدست آورد ، اما این سازمان بعلت محتوای عمیقاً راست و ارتجاعی دچار انحرافات اساسی و گردید و سر از دیکتاتوری و سرکوب تشکیلاتی و زندان و شکنجه در آورد . و تمامی شعار های چپ نمایانه اش نقش بر آب شد ، بدین جهت تنها نیروی جاننشین که تا سال ۱۳۶۰ متصور بود جای گزین حکومت ملایان شود پس از ۱۶ سال نشان داد که در صورت بحکومت رسیدن ولایت ایدئولوژیکی بر مراتب خشن تر و سیاه تر از ولایت خمینی بر قرار خواهد ساخت .

ایرانیان آزاده و اعضای سابق سازمان مجاهدین خلق ایران :

با توجه به شرایط بحرانی و خطر اضمحلال و نا بودی ایران ، توسط سیاستهای خائتانه و دیکتاتوری ولایت فقیه ، وظیفه هر ایرانی آزاده ، نجات کشور از طریق شرکت فعال در پروسه تغییرات اجتماعی و کوتاه کردن دست انحصار طلبان و انتقال حاکمیت بمردم می باشد در حال حاضر مشکل جامعه ما مشکل « نرخ سود » و « ارزش اضافی » و برقراری دیکتاتوری پرولتاریا نیست ، مشکل جامعه ، مشکل مبارزات متحد و یکپارچه تمامی آزادخواهان برای سرنگونی دیکتاتوری آخوندی است مشکل اینست که اساس موجودیت کشور بخطر افتاده و دیگر رمقی برای مردم گرسنه باقی نمانده است ، مشکل جامعه ما ، حق زندگی و حق انسان بودن و مشارکت مردم در سر

نوشت کشور خویش است . اگر قبول داریم که زندگی در ایران زیر خط فقر است ، پس تضاد جامعه ما ، تضاد کار و سرمایه نیست و هنوز تا مرحله سوسیالیسم فاصله های بسیاری داریم .

بنظر ما پیشرفت دموکراسی و فراهم آمدن مواد و مصالح مادی در جامعه ، یعنی پیروزی انقلاب دموکراتیک پیش شرط ایجاد سوسیالیسم است . به سوسیالیسم جز از طریق دموکراسی نمیتوان رسید در حال حاضر تنها راه همه مشکلات جامعه و زمینه های پیشرفت آینده ، تحقق یک انقلاب دموکراتیک و مشارکت وسیع مردم در همه زمینه ها از طریق همکاری و ائتلاف کلیه نیرو های چپ و دمکرات و ملی می باشد .

ما تعدادی از اعضا سازمان مجاهدین خلق که عمری در جهت تحقق آزادی و اختیار انسان و نفی ستم و استثمار و حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش مبارزه نموده ایم در اثنا راه بدین نتیجه رسیدیم که داریم مار در آستین می پروریم و با دست خویش نهال یک ولایت فقیه نوین و تو تا لیترایسم و یک دیکتاتوری مذهبی بر مراتب خشن تر از دو دیکتاتوری شاه و شیخ را آب یاری میکنیم و مردم ایران را بدهان گرگی خون ریز و خشن میسپاریم . مجاهدین نیروئی نیستند که اهداف ما رامحقق سازند و چیزی بیشتر از آنچه که خمینی میگوید ندارند . اسلام آنان بر مراتب ارتجاعی تر و مردم فریب تر از خمینی است لذا تصمیم گرفتیم که از این سکت مذهبی جدا شده و خود ظرفی را بوجود آوریم تا راه رفته را به ثمر برسانیم .

هدف ما تحقق آزادی و عدالت اجتماعی و بهروزی و کرامت انسان است . اما با آزادی و عدالت اجتماعی زمانی میتوان دست یافت که حاکمیت سیاسی مردم منتقل شود ، برای رسیدن باین حاکمیت باید مراحل طی کرد که اولین مرحله آن ائتلاف و همکاری نیرو ها و سپس تشکیل یک آلت رناتیو مردمی و دموکراتیک است . ما اعتقاد داریم که یک حکومت هر چند پوسیده و رو بزدا ل ، اگر جای گزینی نداشته باشد همچنان بعمر خود ادامه خواهد داد ، اما سرنگونی رژیم دیکتاتوری مذهبی به تنهائی حلال همه مشکلات نیست بلکه نیمی از راه است ، نیم دیگر آن و مهم تر و مقدم تر از سرنگونی وجود یک ائتلاف دموکراتیک و اتحاد عمل کلیه نیروهای ملی و مردمی و دمکرات بمنزله حکومت جای گزین آخوندی می باشد تا فرصت طلبان و میوه چینان بار دیگر بر امواج انقلاب مردم سوار نشوند و قبل از آن همه چیز روشن شده باشد . بنا براین هدف مقدم و مرحله ای ما اتحاد و همکاری همه نیروهای واقعا دموکراتیک برای تشکیل یک آلت رناتیو جهت پائین کشیدن ملایان حاکم از ولایت ضد مردمی شان می باشد . تشکل ما ، یک تشکل دموکراتیک حول وحدت نیروهاست و هیچگونه داعیه جانشینی حکومت را نداریم . ما بدون اینکه وارد جزئیات مواد برنامه ای شویم اصول اساسی دیدگاهها و انتظارات خود را حول محور های زیر اعلام میکنیم .

۱- استقلال و عدم وابستگی و تعهد بهیچ قدرت خارجی و پیمانهای اسارت آور .

۲- آزادی (شامل آزادی عقیده و بیان و قلم و اجتماعات و احزاب و مطبوعات و تظاهرات) .

۳- عدالت اجتماعی (سوسیالیسم)

۴- حکومت فدرال

۵- جدائی کامل دین و هر نوع ایدئولوژی از حکومت .

۶- برابری کامل حقوق زن و مرد برقرار باد حاکمیت مردمی

زنده باد آزادی . پیش بسوی اتحاد نیروهای مردمی

جنبش اتحاد برای آزادی مردم ایران هلند